



آنها بی که در لیاس مبارزه با رژیم به پاری او آمد ها ند

همواره میزبان با کوئی نیم را در صدر برخانه های سیاسی خود داشته و در جریان کودتای امپراطوری ۲۸ مرد اول با خاتمه به چشم می بود. همانکاری طبق با کوید تاگران برداشت و حقیقت درد آغازه آن اعتراف کرد و از آن مرله خود استفاده نمود. اگون نزیبا اول گیری چنین پاره بارگوارد میدان شد و در رأس حزب اعدای عیشه اصطلاح "زمختکان" می خواهد خود را ضد افعی آزادی و حقوق اساسی می خواند. این سلطنت طلب لیتوانی د ر شرابیط که تمام مرد های بولنید که از سرتیکون زنم سلطنت مطلقه شاه را من خواهند اعلام میدارد که گروه "هرگونه تغیر شکلی در نظام جامعه به صلاح مملکت نیست و کشش را در برابر خطر تجزیه قرار می دهد" ( که به نظر من رسید این جمله را از شاه وام گرفته باشد ) همازگران افزای اعلام این تعاونی که "یک از کارهای جدید همام ایارزه باگونیم است" ( که بازدراین بیرون هم باشاده راه و هم رأی است ) و علن اینیم در این ایام می خواهد خود را در نظام جامعه می خواهد هزار چهره مختصه سیاست، آن امپراطوریم برای لحظه های بحرانی، مرد لحظه های می خواهد شناخت و اساس این ایام را می خواهد افتخار و بالا خرمه طالع و تارک چی قرار داد اسارت بار این من یعنی "یعنی همان قرار داد تهمیلی که پس از کودتای امپراطوری ۲۸ مرداد اشتباخت ایران را به کسر مخصوص خارجی که این می خواهد و مخدود رفخشش، که با شکه استخوان پورنیکش که اینیم به صورت بست وزارت فرهنگی جلوی او اند اخた هدیه به جنگیں مردم و تهمیل معلمیان که در راه خواست های صنف و سیاسی خود جانبه از خون نفت بیرون و از نیش خنجر و جبکا امروز نزیب بازه نمایندگی ادعای همان معلمیان و فرهنگیان بوارد کود سیاست شده به این امید که شاید باز لقمه هرب تر نیز نصیحت شود ؛ و محسن پیشکشیور "نماینده مجلس شه ساخته رستاخیزی و رهبری خوب فاشیستی یان آینه نصیحت که اعضا پیش را اهشان و خدا را بمناسی تشکیل می دادند که سالیان در داخل و خارج کشورهای متصارع افسر از واپسی به سازمان های انقلابی و مکاری ایزماری اینها بودند و مکاری اینها باید باز لقمه هرب تر نزیب شود ؛ در این زمینه پیشکش اول بودند و از آن نزیب همواره درجهت تائید و ستایش زنیم شفیر شاه "پیکار" می کرد اند و نزیب افراد شناخته شده ای نظیر سیف الدین نبوی که روابط مشکل اهوازویک به عنوان مشاور پیشکش سوالی برای مسیاری ایزماری اینها بودند و نزیب های شاه کشکجه لاه های شاه گذشته اند روش ایست و اگون پاسا ختنن "حرب لیتوان اسلام" می خواهد در رصف می رزان ضرر نماین برای خود است و یا کنند تاسیع آتش خود را تامین نماید ؛ و نسل هایی مثل سهبر با خوبی به اصطلاح "سویسیست" آریایش، گه هژون ماموت های ماقبل تاریخ دیواره جان گرفتند، هنیکه که اهوازان خدا ره بندش در سالهای پیش از کودتای ۲۸ مرد ادی با چاقو و چمام به عطا هرات مردم به ویزیر مبارزان توده ای حمله می بودند و در مغوفه تهمیل می بودند اخلاق لکی و خواستاری من پور اختنده و به قول همین آقای سهبر در کودتای ارجمند از قش ایشان خلق جاگران ای امپراطوریم را بازی کردند و همچنین خود می هایان نظیر دلو و قاجار، ناشر مجله مهوع و سکس "ایسن" هفتنه و تاچاقه نیم معرف مواد مخدور که افتتاح قاچاق هردوشی او و دستگیری ایشان نزدیکی از نزدیکی ایشان خود را از نزدیکی ایشان خواهد و تلوی شاه و دسته های نقل مسائل همچنان خرب پیو و خلا خوب به اصطلاح "د موکاریک" تشکیل داد و ایست جعب و خاختن !

چنین ایست فهرست سیار ناچیز ( به مدد ای شست نونه خروان ) از کوشش رندان هر عرصه سیاست ایران که با سوابق سیاره رخشنان ( ای اگون در شرابیت "خانه ایزامیسی" اهد ای ملوکانه ! ) که گروهک های خوب نمای سیاسی چون قارچ روم به عنوان هدف ای ایشان ای ایشان خود محلی از ایزاب بیاند و برای آیینه خود سرمایه ای فراهم آوردند.

اما چنین گسترده انقلابی خلق با آگاهی و هوشیاری چنین خس و خاشک های زیر آگنی را ایشانچیه مشق سیاست باز دظکار و غارت پیشنه دارند و سیاست هاش بازیجه مشق سیاست باز دظکار و غارت پیشنه د وابسته به امپراطوریم که به شایه "گرگ در لیباس میش" دست د مکاری ها باشند و مکاری هستند و ایگر ...

جنش نیرومند خلق روزیم خدمتی و خدمت ملک شاه را به سارهای  
طبق تشریفات های مخدود و اداره است و اگر این احیا باشد شکل های  
طبق ایرانی بخش هایی از خرد بروزیازی و اقتدار منصفات بروزیازی تسا  
حد داد فرام آورده است. در چون شرایط مصالحه و روابط به  
بروزیازی بزرگ لهرال گه در شراباطر شد و تعمیق بی وظیه جنپیش هموم  
مردم منانع خود را در خطر رفاقت همراهیم خد خلق خود خدمت شاه ازد ر  
سازش را آنده آند و بحث زده از صریحت خوش نم که خند جنپیش  
را از حرکت بازدید ازند و خواست های آن را در حمد داده خواست های  
خود که از چارچوب احیای قانون اساس و زیرم مشروطه سلطنت فراتر  
عن روی مصصوم رفایند. هنر و مسیاست ایران کهنه گاری را بسته به  
این بروزیازی گه تاب بریز برسرخوان یعنی فارگذری می بند و از روزیم خد  
طن نشسته بودند اگرین به شتاب و اوره صه صیاصن من شویند و  
من کوشنده با هزب اسازی و جمیعت تراویش در تفاسی یا زیاصن "آدھایی  
روزیم جای برای خود دست پاکند و خودرا در نقش رهبران طلس و  
دانع آزادی و محقق اسا سی مردم شنان دهند.

آنهاش که دولتیان ضاره را بزیرم به باری او آنده آند، بانطق  
های فرا و اسلامه های بروطول و بتصیل در طح آزاری و مذمت  
د بکاتخیری، من خواهندست آورد های بی ارزش جنپیش آزاد بخواهانه  
و استقلال طلبانه مردم ایران را به حساب خود بگاه ازند و دیا زان رسه  
فعی خود سو استخاره کنند. حالا گه مر روزیم شاه به سر آنده و حیره  
تابه نیاله دان تاریخ سیوره شود، این آذایان خانه های صیاصنی  
که باره ای از آنها همین تازگی حساب خودرا از ای ای و روشکست  
شده خود جدا کرده آند، من خواهند باشکران برعی از کم حق ترین  
شعارهای جنپیش مردم اور هرصه سیاسی جامعه پس از سرگونی روزیم  
نیز موقعیت خود را حفظ کنند و جای پای محکمی به دست آورند. این  
باشد بد اند که مردم ایران بین از آن آناده و هوشیارند که لفاظ های  
توخالی و شعارهای تم بنده سیاسی آنبار مردح "آزادی"، آتسان را

سیاست‌داران جاه طلب و فرستندهای عظیم نظریه‌پردازان کراماتی که  
سوایق در نهضت ملی ایران باعیانیت ها و اخلاصگری ها و اشناهای  
متعدد روحانی ترین لحظات جنبش بهره‌مند گشته و پوشیده نیست و



# از برنامه حزب توده ایران: وازگوئی رژیم فرقوت سلطنتی و استقرار جهوری ملی و دموکراتیک